



در ادبیات علم اقتصاد سه شاخص معروف برای تبیین اندازه دولت تعریف شده است. ۱- نسبت (بودجه) هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی (GDP)، ۲- نسبت (بودجه عمومی) هزینه‌های عمومی به تولید ناخالص داخلی (GDP)، ۳- نسبت سهم سرمایه‌انباشته بخش عمومی به مجموع سرمایه انباشته ملی.

البته شاخص سوم کمتر مورد توجه است. «پیتراف دراک» (۱۹۹۳) در کتاب «پاسخ به از سرمایه‌داری» در بیش از سه و نیم دهه قبل می‌نویسد که برخلاف تصویری که درباره آمریکا به عنوان آزادترین اقتصاد دنیا رایج است، ایالات متحده آمریکا با تکمل بیش از ۵۰ درصد مجموع سرمایه انباشته ملی، سوسیالیست‌ترین اقتصادهاست. طبق آخرین گزارش صندوق بین‌المللی پول اندازه دولت در اقتصاد جمهوری اسلامی حدود ۱۴ و دو دهم درصد است. در گزارش مابقی این سازمان، اندازه دولت ۱۷ درصد اعلام شده بود. همچنین با استناد به آمار درگاه ویژه انتشار آمار سهم دولت‌ها در اقتصاد (Total government spending, shown as a share of gross domestic product) (GDP یعنی: https://ourworlddata. org/grapher/gdp-spending-gdp) در مقایسه با

ایرودولت‌های اروپایی (در سال ۲۰۲۳) مانند فرانسه (با ۵۷ درصد)، آلمان (با ۴۸ و چهار دهم درصد)،انگلیس (با ۴۴ و دو دهم درصد)، ایتالیا (با ۵۳ و هشت دهم درصد) آمریکا با ۳۶ و سه دهم درصد و خصوص برای کشورهای اروپای شمالی مانند نروژ، سوئد، دانمارک در یک دهه قبل و… که در این گزارش‌ها معرفی شده‌اند و اتفاقاً دارای ثبات خوب اقتصادی هستند و ناترازی خاصی آنها را اذیت نمی‌کند، اندازه دولت در اقتصاد جمهوری اسلامی کمتر از یک پنجم است.

در گزارش صفحه مذکور،در گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF) بر اساس آمار سال ۲۰۲۳ سهم مخارج دولت کشورهای فوق‌الذکر به ترتیب در اقتصاد ملی (اندازه دولت) به ترتیب فرانسه با ۵۷ و ۱۷ صدم، آلمان با ۴۹ و ۴۳ صدم، انگلیس ۴۴ و چهار صدم، ایتالیا با ۵۰ و ۵۶ صدم، آمریکا با ۲۷ و ۹۲ صدم و نروژ، سوئد، دانمارک به ترتیب ۴۸ و ۴۸ صدم، ۴۹ و ۳۰ صدم و ۴۷ و ۳۳ صدم درصد ثبت شده است.

کاهش تعصباترکیب اندازه دولت در ایران

این کشورها فقط به عنوان نمونه در اینجا مطرح شدند. طبق گزارش رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی در دهه ۱۳۸۰ اندازه دولت کشور ما ۳۶ درصد بوده است. به زعم سیاست‌سازان و مدیران سیاست زده، روند کاهش دولتی در اقتصاد با حراج بیت المال با شیوه افواکننده «اختصاصی‌سازی» به جای «مردمی-مشارکتی‌سازی» با عنوان کاذب «خصوصی‌سازی» آغاز شد. لذا در گزارش موفق دیگری که توسط محققین منتشر شده، اندازه دولت به ۲۶ درصد تنزل یافت.

زمینه داخلی شوخ اعترافاتش که از اوایل دی‌ماه امسال آغاز و باسوءاستفاده دشمن در روزهای میانی ماه گذشته به خشونت کم سابقه کشیده شده،ناسلامانی‌های اقتصادی و رزودنهایی چون ریزش توقف‌ناپذیر ارزش پول ملی بود.

چالش‌های اقتصادی و مطالبات معیشتی همچنان پابرجا است و با تشدید «فشار حداکثری» و نتنگ‌ن‌های تحریمی، در صورتی که سیاست‌هایی مؤثر برای مهار روندنهای کسبوتی به کل بسته نشود، این چالش‌های شکلی تصادفی و فزاینده به خود خواهند گرفت.

در لسن زمینه، خبر گزاری ایرنا گفت‌وگویی با «محمد خوش‌چهره»، استاد بازنشسته اقتصاد دانشگاه تهران انجام داده که بخشی از آن را در ادامه می‌خوانید:
«به نظر تان آنچه در صحنه اقتصاد کشور معرفوشده به ناترازی یا ناکارآمدی، چه میزان به از آن نتیجه جنگ اقتصادی است و چه میزان به مدیریت‌های داخلی برمی‌گردد؟ و تا چه مدت و به چه ترتیب مردم باید هزینه‌های جنگ اقتصادی هم را بپردازند؟

خیلی فشرده اگر بخواهم بگویم، در اقتصاد ایران هر دو عامل تأثیرگذار است و با هم عمل می‌کنند؛ اینکه نسبت چقدر است تحلیلی‌های عالمانه‌تر مبتنی بر داده‌های آماری لازم دارد که حالا اگر برسم به بعضی‌ها اشاره می‌کنم. اما پاسخ اول این‌که کسی فکر کند اشکال اصلی اختلال‌هایی که در حوزه‌ها یا مناسبات اجتماعی فرهنگی به ویژه اقتصادی وجود دارد همه داخلی است، این اشتباه است، به طور قطع عوامل بیرونی تأثیر دارد. برخی جاها هم شاید عوامل بیرونی به شدت و بیشتر از داخل تأثیر داشته باشد.

نزدیک بیست و هفت– هشت سال در سطح دکترا درس می‌دهم و عرض می‌کنم مدیریت تهدید یا در بعد اقتصادی تحریم یک تهدید است، بسیار مهم بوده اما تنها دلیل نیست. باید مناسبات را رصد کرد. یعنی ریشه‌های تحریم را می‌شود پیش‌بینی کرد، واکنش‌های تحریم را می‌شود از قبل پیش‌بینی و بعد راه‌حل‌هایی مناسب ارائه کرد؛ وگرنه یک دفعه نمی‌توان واکنش نشان داد.

« یکی از مسائلی که در ماه‌ها و هفته‌های گذشته بیش از پیش نمود داشته، توسانات نرخ

ارز و افت ارزش پول ملی بوده و اعتراضات اخیر در بازار نیز در واکنش به این اوضاع کلید خورد.

آقای دکتر وارد بحث ارز شویم؟

کاستی‌دهید گلم به گلم و کمال پیش برویم. مهم‌ترین اجابتی‌هایی که در رابطه با ارز رخ داده چه بوده؟ جهش‌های ارز از دوره سازندگی شروع شد. اگر بخواهیم نگاه کنیم، می‌بینیم که این مقوله از پیش از اینکه به برون‌گرایی و موارد مشابه برگردد به دلیل عدم اشراف و مدیریت عالمانه‌ای که باید باشد، سر داده است. البته هم در کنار آن، جنگ اقتصادی یا شیطنت دنیای سلطه هم

طبق آخرین گزارش صندوق بین‌المللی پول اندازه دولت در اقتصاد جمهوری اسلامی حدود ۱۴ و دو دهم درصد است و در مقایسه با ابردولت‌های اروپایی (در سال ۲۰۲۳) مانند فرانسه (با ۵۷ درصد)، آلمان (با ۴۸ و چهار دهم درصد)، انگلیس (با ۴۴ و دو دهم درصد)، ایتالیا (با ۵۳ و هشت دهم درصد)، آمریکا با ۳۶ و سه دهم درصد و بخصوص برای کشورهای اروپای شمالی مانند نروژ، سوئد، دانمارک در یک دهه قبل و… که در این گزارش‌ها معرفی شده‌اند و اتفاقاً دارای ثبات خوب اقتصادی هستند و ناترازی خاصی آنها را اذیت نمی‌کند، اندازه دولت در اقتصاد جمهوری اسلامی کمتر از یک پنجم است.

اقتصادی

طبق آخرین گزارش صندوق بین‌المللی پول اندازه دولت در اقتصاد جمهوری اسلامی حدود ۱۴ و دو دهم درصد است و در مقایسه با ابردولت‌های اروپایی (در سال ۲۰۲۳) مانند فرانسه (با ۵۷ درصد)، آلمان (با ۴۸ و چهار دهم درصد)، انگلیس (با ۴۴ و دو دهم درصد)، ایتالیا (با ۵۳ و هشت دهم درصد)، آمریکا با ۳۶ و سه دهم درصد و بخصوص برای کشورهای اروپای شمالی مانند نروژ، سوئد، دانمارک در یک دهه قبل و… که در این گزارش‌ها معرفی شده‌اند و اتفاقاً دارای ثبات خوب اقتصادی هستند و ناترازی خاصی آنها را اذیت نمی‌کند، اندازه دولت در اقتصاد جمهوری اسلامی کمتر از یک پنجم است.

اندازه دولت در ایران بسیار کوچک‌تر از آزادترین اقتصادهای دنیا!

بیزینس‌ها و بازرگانی‌های کوچک و متوسط هزینه‌هاستند،

در پاسخ به ادعاهای کاذب فرد مذکور باید به

خوانندگان عرض می‌شود که:

الف- طبق مقدمه فوق سهم دولت در اقتصاد طبق مرجع رسمی بین المللی در سال ۲۰۲۳ برابر با ۱۴ و دو دهم درصد است و اتفاقاً بازرگانی مرجع تولید آمار در کشور است؛ و معتقد است به جز این مرجع (I) آمار صحیحی وجود ندارد و به دروغ و بدون استناد به سند معتبری افاضه می‌کند که اندازه دولت ۸۵ درصد و بیشتراست؛ و دولت بیشتر از ۸۵ درصد اقتصاد را در قبضه خود دارد؛ و از این ۸۵ درصد و بیشتر، ادها دارد که بیش از ۶۰ و

طبق گزارش رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، در دهه ۱۳۸۰ اندازه دولت کشور ما ۳۶ درصد بوده که به ۲۶ درصد تنزل یافت. مشکل اقتصاد ما اندازه دولت نیست، بلکه مشکل ناکارآمدی دیوانسالارانه دولت و پایین بودن ضریب کار آیی هزینه و سوءمدیریت برخی مدیران غرب‌زده در اقتصاد است. کمترین دلیل صحت این گزاره وجود اقتصادهای پیشرفته با اندازه دولت نزدیک به ۶۰ درصد است.

درصد در اختیار نهادهای دولتی است؛البته به نظر می‌آید آقای نام‌نبرده فرق بین نهادهای دولتی و عمومی را هم بلد نیست؛از زیر چهار نهاد نامبرده عمومی هستند نه دولتی! ادعای دروغ و بدون سند دیگر این فرد این است که اینان مالیات نمی‌دهند؛ا و به دولت کمک نمی‌کنند و ناکارآمدی دیوانسالارانه دولت و پایین بودن ضریب کارایی

هزینه و سوء مدیریت برخی مدیران غرب زده در اقتصاد است. کمترین دلیل صحت این گزاره وجود اقتصادهای پیشرفته با اندازه دولت نزدیک به ۶۰ درصد است. در سه دهه گذشته متأسفانه با حاکم شدن برخی از مترقیین در دستگاه قوه مجریه و مقتنه برخی چهره‌های ناشناس از بایگانی آبیاری‌های تریک سیاست زگان نفوذی سر برداشته و با کمک نفوذی‌های سیاسی تبدیل به یک «سلبریتی اقتصادی» شدند.

اخیراً آخرین نفر ازاین افراد با درک واقعیت‌ها و حقیقت ماجرا و با سایر طرح نظریات اصلاحی از گردونه مترقیین سیاسی اخراج شد و به عنوان مهره سوخته کنار گذاشته شد. برای هجمه به خدمات عمومی به مردم و نقش حاکمیتی ضروری دستگاه حاکمیت و پیوزده دولت با پهنانه «بزرگ بودن اندازه دولت» تحمیل می‌کنند و مشغول توطنه و اغوای رئیس دولت و مردم و خلق بد نظام به دست مدیران ارشد قوه مجریه و مقتنه هستند.

مجدداً فرد ناشناس کارناشناس دیگری به دلیل تعارض منافع طیف مترقیین اظهار فضل نموده و تحت لوای کارشناس علیه نهادهای عمومی خادم ملت جوسازی راه انداخته است. این بار نیز مایوریت این فرد حمله به برخی از



محمد خوش چهره؛ استاد اقتصاد دانشگاه؛

در میان است که آمده و سوار شده و عمل کرده است. در اقتصاد داریم که خودش بیش از ۸۵ میلیون جمعیت دارد، یعنی نیاز گسترده به خوراک، پوشاک، مسکن و غیره. در بخش مسکن، زمین وارداتی نیست که به ارز ربط داشته باشد. اگر چه الان قیمت مسکن افزایش می‌یابد می‌گویند چون ارز رفته بالا، در حالی که زمین را وارد نمی‌کنیم که قیمت آن بالا رفته باشد! بنابراین دولت با مجلس یا تدبیر و یک سیاست کارآمد در حوزه زمین و مسکن می‌تواند تورم را از مسکن بیرون کند. دیگر کالاهای استراتژیک مثل نان

دولت شکل بگیرد و فعالیت کند، تعاونی‌ها می‌توانند در شرایط جنگ اقتصادی به کشور خیلی کمک کنند. ببینید ما به نازگی اعصاب و اعتراضاتی داشتیم که ابتدا ناشی از فشار اقتصادی بود. بعد آمدند به سرعت سوار این اعتراضات شدند و سازماندهی کردند. خودشان مثلاً وزیر جنگ سابق اسرائیل یا نماینده دائمی اسرائیل در سازمان ملل اذعان کردند که نیروهای زنده ما در ایران دارند عملیات انجام می‌دهند و موفق می‌شوند. پس جریان‌های سوار این موضوع شده که قیمت‌ها بالا رفته است.

حالا خوشبختانه اسرائیل و آمریکا ذوق‌زده شدند که برویز رود کار تمام کنیم، اگر عجله نمی‌کردند و آشوبگر نمی‌فرستادند و وحشی‌بازی در نمی‌آوردند، شاید نتیجه چیز دیگری می‌شد اما خدا ز پس گردن آنها، می‌خواستند زودتر نتیجه بگیرند اما حالا دعوایشان

کرفته بالا، پس چی شده؟ می‌رسیم به آن بحث که در رهن و اجاره خودش را نشان می‌دهد یعنی رهاشدگی. یاد است که آقای روحانی و دوستان حرف ما را از یکی شنیدند که گفتند خیلی خوب است و بعد در اجرا گفتند سالانه اجاره ۲۵ درصد بیشتر نمی‌تواند بالا برود! اصلاً لازم نبود کف بگذارند. نتیجه اینکه وقتی گفتند ۲۵ درصد بالا برود، تورمی را به شاخص کل تحمیل کردند.

انکون این اعتراضات دارد در شرایط

دشوار، امور اقتصادی، دستوری اداره شود؟

لغت دستور را شما بد ترجمه می‌کنید؛ دستور به

همیشه اسرائیلی‌ها می‌گویند روی لشکر بیکاران باید حساب کرد، انکون آنها روی لشکر جوانان یعنی افراد زیر دیپلم حساب کرده‌اند. در شورای انقلاب فرهنگی، می‌گفتند ۸۵ درصد از افراد بازداشت‌شده تحصیلات زیردیپلم دارند؛ در حالی که پیش از این گفته می‌شد این بازداشتی‌ها مربوط به دانشجویان بوده است. نکته مهم اینکه، برخی از این زیردیپلمی‌ها فرزند طلاق، فرزند پدر معتاد و… هستند. آنها توانسته‌اند برخی را جذب خود کنند.

این‌ها از نظر من روش‌های آزمون و خطاست. در چند دولت یک حرف را تکرار می‌کنند که ما معیشت مردم برایمان مهم است. معیشت لغت معارفش زندگی مردم است. زندگی مردم در ادبیات اقتصادی همین است که من به شما گفتم؛ سید هزینه خوراک که در آن مسکن و خوراک و آموزش و غیره هست. الان از چند دوره قبل، عمدتاً به خوراک آن هم به چند قلم خوراک می‌پردازند؛ این اسمش معیشت نیست که بگوییم معیشت مردم را به عنوان مثال، یک قانون در مجلس می‌خواهیم که خروج مواد غذایی اصلی از ایران برای شش ماه ممنوع شود. البته برخی ممکن است سر و صدایوارند، می‌گویند که اقا ما صادر می‌کردیم. بله اما از نیابردید؛ سیستم ارز را اگر درست کنید که مثلا تعاریف‌های زیر نظر

« ضرورت ممنوعیت صادرات مواد غذایی

به عنوان مثال، یک قانون در مجلس می‌خواهیم که خروج مواد غذایی اصلی از ایران برای شش ماه ممنوع شود. البته برخی ممکن است سر و صدایوارند، می‌گویند که اقا ما صادر می‌کردیم. بله اما از نیابردید؛ سیستم ارز را اگر درست کنید که مثلا تعاریف‌های زیر نظر

امواج درآمدی بعدی می‌شود. در گزارش رسمی سه نهاد بنیاد، ستاد و آستان قدس از مجموع مالیات تادیه‌شده به دولت ۶۳۰۰ میلیارد تومان) دو و نیم درصد آن پرداخت مالیات اشخاص حقوقی غیردولتی بوده است. در سال ۱۴۰۲ این سهم سه نهاد دربارز رسمی اقتصاد تنها دو و نیم از کل ارزش بازار سرمایه بوده است.

شخص جالب دیگر بازدهی حقیقی سرمایه این نهادهاست که از چشم‌ان بنیانی مدعی منتقد عمداً یا سهواً دور مانده است، نرخ بازده دارایی‌ها است که نسبت سود خالص به خالص دارایی‌ها معادل ۲۲ و شش دهم درصد که در مقایسه با شرکت‌های دولتی که سه دو دهم است که اصلاً قابل قیاس نیست و بیش از هفت برابر است.

همین طور نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها معادل هشت و ۹ دهم درصد است که در مقایسه با شرکت‌های دولتی که یک و سه دهم درصد است فوق‌العاده است و باز حدود هفت برابر است. آمار واگذاری شرکت‌های اصل ۲۴ به

بر اساس آمار سال ۲۰۲۴ صندوق بین‌المللی پول (IMF)، سهم مخارج دولت‌ها در اقتصاد ملی (اندازه دولت) در فرانسه با ۵۷ و ۱۷ صدم، آلمان با ۴۹ و ۴۳ صدم، انگلیس با ۴۴ و چهار صدم، ایتالیا با ۵۰ و ۵۶ صدم، آمریکا با ۳۷ و ۹۲ صدم و نروژ، سوئد، دانمارک به ترتیب ۴۸ و ۴۸ صدم، ۴۹ و ۳۰ صدم و ۴۷ و ۳۳ صدم درصد ثبت شده است.

بانک‌های خصوصی را نمی‌بیند و بلکه به عمد نمی‌خواهد ببیند. این در حالی است که نهادهای عمومی فوق‌الذکر سهم بسیار بزرگی در سرمایه‌گذاری ملی دارند و حتی پیش از توان خود با ایجاد بستناتکاری از محل سرمایه خود فعالیت‌ها و طرح‌ها و پروژه‌های بزرگی را ساخته و سهم

بزرگی در رشد اقتصادی کشور دارند.

آثار این تزیرفقات سرمایه با فعال شدن ضریب تکاثری باعث گردش سرمایه و خلق درآمدهای مستمر و متعدد با

باز طبق گزارش موفق دیگر گزاره کاذب خاتم نیز بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان؛ تنها از دولت، بابت هزینه کرد در طرح‌ها و پروژه‌ها از دولت طلب دارد و دولت به این نهاد دولتی! ادعای دروغ و بدون سند دیگر این فرد این است که اینان مالیات نمی‌دهند؛ا و به دولت کمک نمی‌کنند و ناکارآمدی دیوانسالارانه دولت و پایین بودن ضریب کارایی هزینه و سوء مدیریت برخی مدیران غرب زده در اقتصاد است. کمترین دلیل صحت این گزاره وجود اقتصادهای پیشرفته با اندازه دولت نزدیک به ۶۰ درصد است. در سه دهه گذشته متأسفانه با حاکم شدن برخی از مترقیین در دستگاه قوه مجریه و مقتنه برخی چهره‌های ناشناس از بایگانی آبیاری‌های تریک سیاست زگان نفوذی سر برداشته و با کمک نفوذی‌های سیاسی تبدیل به یک «سلبریتی اقتصادی» شدند.

اخیراً آخرین نفر ازاین افراد با درک واقعیت‌ها و حقیقت ماجرا و با سایر طرح نظریات اصلاحی از گردونه مترقیین سیاسی اخراج شد و به عنوان مهره سوخته کنار گذاشته شد. برای هجمه به خدمات عمومی به مردم و نقش حاکمیتی ضروری دستگاه حاکمیت و پیوزده دولت با پهنانه «بزرگ بودن اندازه دولت» تحمیل می‌کنند و مشغول توطنه و اغوای رئیس دولت و مردم و خلق بد نظام به دست مدیران ارشد قوه مجریه و مقتنه هستند.

مجدداً فرد ناشناس کارناشناس دیگری به دلیل تعارض منافع طیف مترقیین اظهار فضل نموده و تحت لوای کارشناس علیه نهادهای عمومی خادم ملت جوسازی راه انداخته است. این بار نیز مایوریت این فرد حمله به برخی از

دولت شکل بگیرد و فعالیت کند، تعاونی‌ها می‌توانند در شرایط جنگ اقتصادی به کشور خیلی کمک کنند. ببینید ما به نازگی اعصاب و اعتراضاتی داشتیم که ابتدا ناشی از فشار اقتصادی بود. بعد آمدند به سرعت سوار این اعتراضات شدند و سازماندهی کردند. خودشان مثلاً وزیر جنگ سابق اسرائیل یا نماینده دائمی اسرائیل در سازمان ملل اذعان کردند که نیروهای زنده ما در ایران دارند عملیات انجام می‌دهند و موفق می‌شوند. پس جریان‌های سوار این موضوع شده که قیمت‌ها بالا رفته است.

حالا خوشبختانه اسرائیل و آمریکا ذوق‌زده شدند که برویز رود کار تمام کنیم، اگر عجله نمی‌کردند و آشوبگر نمی‌فرستادند و وحشی‌بازی در نمی‌آوردند، شاید نتیجه چیز دیگری می‌شد اما خدا ز پس گردن آنها، می‌خواستند زودتر نتیجه بگیرند اما حالا دعوایشان

کرفته بالا، پس چی شده؟ می‌رسیم به آن بحث که در رهن و اجاره خودش را نشان می‌دهد یعنی رهاشدگی. یاد است که آقای روحانی و دوستان حرف ما را از یکی شنیدند که گفتند خیلی خوب است و بعد در اجرا گفتند سالانه اجاره ۲۵ درصد بیشتر نمی‌تواند بالا برود! اصلاً لازم نبود کف بگذارند. نتیجه اینکه وقتی گفتند ۲۵ درصد بالا برود، تورمی را به شاخص کل تحمیل کردند.

انکون این اعتراضات دارد در شرایط دشوار، امور اقتصادی، دستوری اداره شود؟ لغت دستور را شما بد ترجمه می‌کنید؛ دستور به

همیشه اسرائیلی‌ها می‌گویند روی لشکر بیکاران باید حساب کرد، انکون آنها روی لشکر جوانان یعنی افراد زیر دیپلم حساب کرده‌اند. در شورای انقلاب فرهنگی، می‌گفتند ۸۵ درصد از افراد بازداشت‌شده تحصیلات زیردیپلم دارند؛ در حالی که پیش از این گفته می‌شد این بازداشتی‌ها مربوط به دانشجویان بودند است. نکته مهم اینکه، برخی از این زیردیپلمی‌ها فرزند طلاق، فرزند پدر معتاد و… هستند. آنها توانسته‌اند برخی را جذب خود کنند.

« حالا به جز آن کماندوها که گفتید در حال بررسی است، بالاخره لشکر ناامیدها هم به میدان آمده‌اند؛ افرادی که من و شما هم می‌بینیم و می‌شناسیم.

من که گفتم؛ امروز یک لشکر بیکاران داریم. بیکار فارغ‌التحصیل دانشگاه یک مقوله جداس؛ نکته اینکه لشکر بیکاران و در واقع کسی که فقیر می‌شود، چیزی برای از دست دادن ندارد. این اغتشاش‌ها دو مقوله بوده؛ یکی در بستر نارضایتی‌های اقتصادی که همه ما از جمله خود اعتراض داریم. من به عنوان یک بازنشسته، حقوق یک استاد تمام دانشگاه تهران را دریافت می‌کنم و با آن توان از روزدگی خودم را تدارم و این چیز عجیبی است؛ تا الان هم به‌دنبال درآمد دیگری نبودم و می‌گفتم حقوقم خوب است و می‌توانم زندگی‌ام را اداره کنم اما الان می‌بینم نمی‌توانم؛ این تقصیر من نیست، تقصیر نظام تصمیگیری و سیاست‌گذاری کشور است که ارزش پول ملی را حفظ نکرده و من متدانی یک فرد مستضعف در کشور شده‌ام؛ یعنی به ضعف کشیده شدم. شعار نظام جمهوری اسلامی هم استضعاف‌ستیزی است، داریم چه و چه می‌کنیم.

ما چهل وچند سال است ارز را کرده‌ایم یک چیز قابل مبادله؛ قیمت آن ارز را کی تعیین می‌کنند؟ قیمت ارز را دولت‌ها و مجلس با اجمل‌های خود تعیین کرده‌اند. این‌ها از نظر من روش‌های آزمون و خطاست. در چند دولت یک حرف را تکرار می‌کنند که ما معیشت مردم برایمان مهم است. معیشت لغت معارفش زندگی مردم است. زندگی مردم در ادبیات اقتصادی همین است که من به شما گفتم؛ سید هزینه خوراک که در آن مسکن و خوراک و آموزش و غیره هست. الان از چند دوره قبل، عمدتاً به خوراک آن هم به چند قلم خوراک می‌پردازند؛ این اسمش معیشت نیست که بگوییم معیشت مردم را به عنوان مثال، یک قانون در مجلس می‌خواهیم که خروج مواد غذایی اصلی از ایران برای شش ماه ممنوع شود. البته برخی ممکن است سر و صدایوارند، می‌گویند که اقا ما صادر می‌کردیم. بله اما از نیابردید؛ سیستم ارز را اگر درست کنید که مثلا تعاریف‌های زیر نظر

صفحه ۸

سه‌شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴

۶ رمضان ۱۴۴۷ – شماره ۲۴۰۸۶

زنجیره‌های ارزش با همکاری بخش‌های مردمی و دوری از انحصار و جذب حداکثری مشارکت مردمی در راستای مردمی‌سازی فعالیت اقتصادی.

۲-منظومه‌سازی فعالیت‌های فرهنگی؛ از طریق-ترسیم زنجیره ارزش فرهنگ با همکاری بخش‌های مردمی- تقویت بازدهی حداکثری با تکمیل زنجیره ارزش شاخص جالب دیگر بازدهی حقیقی سرمایه این نهادهاست که از چشم‌ان بنیانی مدعی منتقد عمداً یا سهواً دور مانده است، نرخ بازده دارایی‌ها است که نسبت سود خالص به خالص دارایی‌ها معادل ۲۲ و شش دهم درصد که در مقایسه با شرکت‌های دولتی که سه دو دهم است که اصلاً قابل قیاس نیست و بیش از هفت برابر است.

همین طور نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها معادل هشت و ۹ دهم درصد است که در مقایسه با شرکت‌های دولتی که یک و سه دهم درصد است فوق‌العاده است و باز حدود هفت برابر است. آمار واگذاری شرکت‌های اصل ۲۴ به

سهواً دور مانده است، نرخ بازده دارایی‌ها است که نسبت سود خالص به خالص دارایی‌ها معادل ۲۲ و شش دهم درصد که در مقایسه با شرکت‌های دولتی که سه دو دهم است که اصلاً قابل قیاس نیست و بیش از هفت برابر است.

همین طور نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها معادل هشت و ۹ دهم درصد است که در مقایسه با شرکت‌های دولتی که یک و سه دهم درصد است فوق‌العاده است و باز حدود هفت برابر است. آمار واگذاری شرکت‌های اصل ۲۴ به

فزاینده تضعیف و رشد اقتصاد کاهش می‌یابد. دوم؛ اگر در موج اول درآمد مستقیم از چرخه اقتصاد خارج نشود باز در اقتصاد فاصله طبقاتی افزایش، ضریب فزاینده تضعیف و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. سوم؛ اگر سرمایه‌رشد آید اما به بخش غیر مولد تزیق شوند باز فاصله طبقاتی با شدت بیشتری افزایش، ضریب فزاینده تضعیف بیشتر و رشد اقتصادی به شدت کاهش می‌یابد

و در عرض فعالیت‌های مولد معطل و سرکوب و در اینجا

نه کالا خلق می‌شود و نه کالا گردش پیدا می‌کند و نتیجه‌اش چرخش پول بی‌پشتوانه و سفته‌بازی و ایجاد آشوب و تلاطم در اقتصاد است.

کار خلق پول بانکهای خصوصی در بخش غیر مولد دقیقاً همین است. ولی در عملکرد نهادهای امنیات ذکر شده هرگز چنین اتفاقی نیفتاده و بلکه فعالیت امنیات از مولد، بدون حبس مال و کنز و بدون خروج سرمایه‌از کشور و برعکس محرک چرخش درآمدی جذب سرمایه و مشارکت شغلی و سرمایه‌گذاری مولد مردمی و خصوصی بوده و هست.

لذا ادعای کارناشناس نام‌نبرده در این نقد نامه از اساس باطل و دقیقاً همراه با غرضورزی و تحت تأثیر فشارت‌های نامادله‌انه و اغراض شخصی و منافع گروهی است. بخصوص ادعای کذب ایشان مبنی بر مالکیت نفت دروغی بیش نیست. برعکس دولت یازدهم و دوازدهم بود که به پهنانه‌ناشناتن معتمد و تامین مالی برخی نهادهای امنیتی آنها، به راحتی برخی از نهادهای مهم حاکمیتی و امنیتی را رسماً به فروش نفت در بازار آزاد جهانی ترغیب و مجبور می‌کرد!

بررسی فعالیت این نهادهای انقلاب اسلامی با مرور ۴۷ سال گذشته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مؤید این حقیقت است که درآمدهای این نهادهای نه به هدف رفح محرومیت از اقشار و مناطق محروم بوده و دقیقاً خلاف کم کاری و ناتوانی دستگاه جرحیه را ترمیم کرده و در مواقع بحرانی مرجع و ماوای مردم و دولت بوده‌اند.

عبدالمجید شیخی

استاد اقتصاد دانشگاه

جهش‌های ارز از دوره سازندگی شروع شد. اگر بخواهیم نگاه کنیم، می‌بینیم که این مقوله ارز، پیش از اینکه به برون‌گرایی و موارد مشابه برگردد به دلیل عدم اشراف و مدیریت عالمانه‌ای که باید باشد، رخ داده است. البته در کنار این، جنگ اقتصادی یا شیطنت دنیای سلطه هم در میان است که آمده و سوار شده و عمل کرده است.

« اگر آن اقدامات آتی که اشاره کردید، محقق نشود، چه رخ می‌دهد؟

اگر نشود، تراکم ایجاد می‌شود؛ این‌ها همه فشارهایی بر مردم هستند؛ اگر فشارهای اجتماعی و اقتصادی را حل نکنیم و با روش‌های دیگر تلاش کنیم وضعیت را کنترل کنیم، همه آنها متراکم می‌شود و به یکباره جهشی بالا می‌رود.

پس بنابراین نظام تصمیگیری باید روی مفاهیم کار کردن در نظام تصمیم‌گیری در مجلس، چرا مگسر می‌گویند معاش مردم مستقیم و از این معاش فقط یک سبب کالای غذایی تعریف می‌شود؟! این یعنی توهمین که مجلس. دولت هم همین طور؛ همه باید توجه کنند که معیشت یک گستره است و به معنای سبب کالا نیست.

« به نظر شما در شرایط کنونی تبیین مفاهیمی که اشاره کردید، از سوی نخبگان برای اقشار و آحاد مردم چقدر مهم است؟

باید با حضور وزیران بخش‌های مناظره‌ای در صداوسیما برگزار شود. برخی از وزیران خوب هستند اما در شمار متغیرهای رفح بحران نیستند؛ منظور این است که بسیاری از موضوعات خود را به صورت مسئله نشان می‌دهند. مسئله مسکن، بیکاری و انکون موضوع بزرگی در ۲۰ سال گذشته، متراکم و با کم معضل بزرگ و سپس به بحران تبدیل شده است؛ بنابراین اگر کسی در مسند وزارت قرار می‌گیرد، باید مفاهیم در درک کرده برای آنها برنامه کوتاه، میان و بلندمدت داشته باشد.

حالا با بحران مسکن مواجهیم؛ بنابراین وزیري که انتخاب می‌شود، باید در حد بحران باشد، نه در حد یک مسئله. وزیري که برای اقتصاد انتخاب می‌شود، باید در حد اندازه و بحران باشد؛ نه این که فقط بگوییم در دانشگاه اشتیاق درس خوانده است.

ایرنا